

تجمع غدیر



تا صورت پیوند جهان بود علی علیه السلام بود
تا نقش زمین بود و زمان بود علی علیه السلام بود

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

غدير تجلی گاه یاد و نام علی علیه السلام است.

معنای غدير

غدير در لغت به معنای آبگیر است؛ گودالی در بیابان که آب باران در آن جمع می‌شود. در میان راه دو شهر بزرگ دنیای اسلام، مکه و مدینه، محلی است به نام «جُحْفَه» که در زمان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، کاروانیان حج‌گزار در آنجا از هم جدا می‌شدند و به طرف دیار خود می‌رفتند. در این محل، غدير خم جای دارد. علت نام گذاری این غدير به خم، آن است که آبگیر آنجا به شکل خُم رنگرزان بوده و برخی قبایل صحرايي، گاه جامه‌های رنگ کرده خود را در این آبگیر می‌شسته‌اند.

غدير فخر آسمان و زمین

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: در فردوس و آسمان‌ها غدير شناخته شده‌تر و مشهورتر از زمین است.

شیخ طوسی در تهذیب الاحکام روایت می‌کند که امام رضا (علیه السلام) فرمودند: خداوند در بهشت‌ترین ساختمان بزرگی را به خود اختصاص داده است؛ این ساختمان از آجرهای نقره و طلا ساخته شده، در آن صد هزار گنبد از یاقوت سرخ و صد هزار گنبد از یاقوت سبز وجود دارد، خاک و گل‌های به کار گرفته شده در این قصر از مشک و عنبر است، در آن چهار جوی (یا رودخانه) به چشم می‌خورد که در هر یک از آنها خمر و آب زلال و شیر و عسل جریان دارد؛ در اطراف این جویبارها درختان انبوهی از میوه‌های مختلف روئیده، بر روی آنها پرندگانی پرواز می‌کنند که بدنشان از لؤلؤ و پرهایشان از یاقوت است؛ آنها با پرواز خویش صداهای دلنوازی ایجاد می‌کنند.

روز غدير درب این قصر بزرگ باز می‌شود؛ فرشتگان و اهل آسمان‌ها تسبیح‌گویان داخل قصر می‌شوند؛ آن پرندگان به پرواز درآمده در جویبارها خود را مرطوب می‌سازند و سپس به آن مشک و عنبر آغشته کرده و عطرش را در فضای ملکوتی قصر منتشر می‌سازند؛ فرشتگان الهی به نام فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به یکدیگر هدیه می‌دهند؛ چون پایان روز غدير فرا می‌رسد، به فرشتگان گفته می‌شود به جایگاه‌های خویش برگردید شما تا سال آینده، مثل چنین روزی، از اشتباه و لغزش در امان هستید و بدانید همه این موهبت‌ها به خاطر عظمت پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله وسلم و وصی او علی بن ابی طالب - علیهما السلام - است.

سپس علی بن موسی الرضا (علیه السلام) رو به احمد بن محمد ابی نصر کرد و فرمودند: ای فرزند ابونصر، هر جا که بودی روز غدير سمت مرقد امیرمؤمنان (علیه السلام) بشتاب که خداوند گناهان شصت ساله هر مؤمن زیارت کننده او را می‌آمرزد، خداوند، به برکت روز غدير دو برابر گروهی که در ماه رمضان، شب قدر و شب عید فطر

آزاد می‌کند، از آتش جهنم می‌رهاند، پروردگار یک درهم انفاق به مستحق را هزار برابر پاداش خواهد داد. سپس فرمودند: روز غدیر به برادران دینی خود برتری و فضیلت ده و مردان و زنان با ایمان را خوشحال و مسرور نما. سپس فرمودند: ای ابی نصر، « أَتَيْمًا كُنْتَ فَاحْضُرْ يَوْمَ الْغَدِيرِ » ؛ هرکجا که هستی در این روز نزد امیرمومنان (علیه السلام) باش. بدرستی که در این روز خداوند گناه شصت سال از مردان و زنان مومن و مسلم را می‌آمرزد و دو برابر آنچه در ماه رمضان از آتش دوزخ می‌رهاند؛ در این روز آزاد می‌کند. سپس فرمود: « لَوْ عَرَفَ النَّاسُ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ ». اگر مردم ارزش این روز را می‌دانستند، بی‌تردید فرشتگان در هر روز ده بار با آنان مصافحه می‌کردند. این همه اهمیت و سفارش در عید غدیر خم برای چیست ؟

در غدیر خم چه گذشت ؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در چهل سالگی به پیامبری رسید. سه سال مخفیانه و ده سال علنی تبلیغ کرد. بخاطر فشار و تهدید کفار، از مکه به مدینه هجرت کرد. شش سال در مدینه ماند، تصمیم رفتن به مکه برای انجام اعمال عمره را داشت، اما کفار مکه نگذاشتند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وارد شود و نزدیک بود درگیری پیش بیاید که صلح حدیبیه برقرار شد. دو سال بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و مسلمانان، مکه را فتح کردند و خانه خدا را زیارت کرده و به مدینه بازگشتند. دو سال دیگر در مدینه ماندند و در سنّ شصت و سه سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اعلام کرد برای انجام مناسک حج به مکه می‌روم، هر کس می‌خواهد بیاید.

جمعیت انبوهی از مدینه و اطراف آن و دیگر مناطق اسلامی به مکه آمدند. هنگام بازگشت، جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد تا « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ »: و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را مامور نمود تا ولایت علی ابن ابیطالب را اعلام کند. لذا پیامبر در منطقه ای به نام غدیر خم، دستور توقف داد تا همه رسیدند. اینجا نقطه‌ای بود که راهها از هم جدا می‌شد، یکی به سمت مدینه یکی به سمت یمن و یکی به سمت عراق می‌رفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: آنها که رفته‌اند، بازگردند و صبر کنید تا آنها که بازمانده‌اند، برسند. هنگام ظهر نماز خواندند و پس از نماز، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خطبه‌ای مفصل خواند و آنگاه فرمودند: من به زودی دعوت خدا را اجابت کرده، از میان شما می‌روم. ای مردم! درباره من چگونه شهادت می‌دهید؟ همگی با صدای بلند گفتند: گواهی می‌دهیم که تو رسالت الهی را ابلاغ کردی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت ما نمودی، خداوند تو را جزای خیر دهد.

سپس فرمودند: من می‌روم ولی دو چیز گرانقدر در میان شما به یادگار می‌گذارم: یکی کتاب خدا که واسطه میان پروردگار و شماست، و دیگری خاندان من که خداوند به من خبر داده این دو از هم جدا نشوند، تا در بهشت به من بپیوندند، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می‌شوید و دست از دامن آن دو بر ندارید که گمراه می‌شوید.

آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دست علی (علیه السلام) را گرفت و بلند کرد و پرسید: « أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ » چه کسی به مؤمنان از خود آنها سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و پیامبرش دانانترند، پس

فرمودند: خدا، مولای من است، و من مولی و سرپرست مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم. سپس فرمودند: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. سپس دست به سوی آسمان برداشت و چنین دعا کرد: خداوندا! دوستان او را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار، یارانش را یاری کن، و آنها که او را ترك کنند، از یاری خویش محروم ساز، حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن. سپس فرمودند: حاضران، این خبر را به غایبان برسانند.

خطبه که به پایان رسید، جمعیت متفرق نشده بود که جبرئیل نازل شد و این آیه را بر پیامبر اکرم (ص) خواند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» پیامبر فرمودند: خدا را سپاس که دین خود را کامل و نعمت خود را بر ما تمام کرد و از رسالت من و ولایت پس از من خشنود گشت. غدیر سه روز به طول انجامید. بعد از انجام اعمال حج، حاجیان برای بازگشت ثانیه شماری می‌کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، همان زمان که حجاج اشتیاق به برگشت داشتند به آنها می‌فرماید بایستید و بعد از ایراد خطبه غدیر می‌فرماید. زن و مرد تک تک با علی (ع) بیعت کنید. مردمی که شوق بازگشت به خانه و کاشانه خود داشتند امر شده بودند به بیعت گفتند: یا رسول الله ما آنچه فرمودی را قبول داریم و این بیعت زمان زیادی خواهد برد. فرمودند: هر چقدر هم طول بکشد من و علی (علیه السلام) می‌مانیم تا همگی بیعت کنید. شوری به پا شد و همگی تک تک با ایشان بیعت کردند. **رسول الله با این اقدام خود می‌خواستند اهمیت و شکوه غدیر را بیان دارند.** شما چقدر در برپایی این شکوه و عظمت قدم برمی‌دارید؟

غدیر در قرآن

آیه تبلیغ

خداوند متعال در سوره مائده، آیه ۶۷ می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ » ای پیامبر! آنچه را از طرف پرودگارت به تو نازل شده، به مردم ابلاغ کن، و اگر انجام ندهی، رسالت او را به انجام نرسانده‌ای و خدا تو را از مردم حفظ می‌کند. خداوند مردمان کافر را هدایت نمی‌کند.

این آیه نکاتی دارد:

۱. عبارت (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ) که در قرآن دو بار بیشتر نیامده، بیانگر آن است که آنچه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) وظیفه دارد آن را به گوش مردم برساند امر مهمی است که مربوط به رسالت اوست و او چون رسول است باید آن را اعلام کند.

۲. کلمه (بَلِّغْ) یعنی با جدیت و اهتمام تمام آن را ابلاغ کن و به گوش مردم برسان تا کسی بعداً نگوید این مطلب به ما نرسید.

۳. (مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) یعنی مردم بدانند آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌گوید از جانب خودش نیست، از طرف خداست، خدایی که صاحب اختیار همه است.

۴. (وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ) یعنی ابلاغ این موضوع به شکل عملی و در قالب یک مراسم باشد. زیرا قرآن به جایی که بفرماید: (بَلِّغْ... وَ إِنْ لَمْ تُبَلِّغْ = بگو... و اگر نگویی)، می‌فرماید: (بَلِّغْ... وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ = بگو... و اگر انجام ندهی)، یعنی ابلاغ زبانی کافی نیست، بلکه ابلاغ فعلی لازم است، باید یک مراسمی باشد و در این مراسم، آنچه را خدا گفته، به مردم اعلام کنی.

۵. عبارت (فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) یعنی آنچه باید به مردم ابلاغ کنی، هم وزن رسالت توست، به گونه‌ای که اگر آن را به مردم نرسانی، گویا اصل رسالت پروردگار را به انجام نرسانده‌ای و زحمات بیست و سه ساله‌ات به هدر می‌رود.

۶. جمله (وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) نیز بیان می‌دارد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از ابلاغ این امر مهم ترس و هراس داشته است و لذا خداوند وعده می‌دهد او را از شرّ مردم حفظ کند. البته روشن است پیامبر اسلام از اینکه جان خود را در راه خدا فدا کند، هراسی نداشته است و لذا در تمام جنگ‌ها در صف مقدّم جبهه حضور داشت، بلکه این امر به گونه‌ای بود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم احتمال می‌داد برخی از مردم آن را نپذیرند و موجب فتنه و درگیری میان مسلمانان گردد که بیش از آنکه به جان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ضرر رساند، به مکتب او ضربه وارد سازد و لذا ادامه آیه می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) یعنی خداوند اجازه نمی‌دهد کسانی که این امر مهم را انکار می‌کنند، به هدفشان برسند و تهدیدی برای تو و برنامه‌های تو باشند. در اینجا سه سؤال مطرح است:

۱. این امر مهم چه چیزی بود که پیامبر اکرم (ص) تا سال آخر عمرش بیان نکرده بود؟

۲. چه امری بود که اگر پیامبر اکرم (ص) آن را نمی‌گفت، زحمات ۲۳ ساله‌اش به هدر می‌رفت؟

۳. چه امری بود که پیامبر اکرم (ص) از گفتنش هراس داشت؟

این مطلب هر چه باشد، جزء دین است، اما از اصول دین یا فروع دین؟ تک‌تک آنها را بررسی می‌کنیم تا به نتیجه برسیم. اصول دین، توحید است و نبوت و معاد. آیا می‌شود گفت که در این ۲۳ سال پیامبر اکرم (ص) لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را به مردم یاد نداده باشد؟

اولین کلمه‌ای که به مردم آموخت این بود: « قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلُحُوا »

قطعا نبوت هم نیست، زیرا معنا ندارد کسی که حدود دو ماه دیگر رحلت می‌کند، بگوید: مردم! من پیامبرم! آیا تا آن زمان به مردم نگفته بود: من پیامبرم! راجع به معاد هم، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از همان روزهای اول بعثت مردم را از دوزخ هشدار می‌داد و تمام سوره‌های مکی خبر از معاد می‌دهند. پس آنچه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید در آخر عمرش اعلام کند، وقوع قیامت نیست.

اما فروع دین، آیا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا دو ماه مانده به رحلتش از نماز نگفته بود؟! و یا آن حاجیان که از مکه برمی‌گشتند تارك الصلاة بودند؟! قطعا آن مطلب نماز نبود. روزه، جهاد، خمس و زکات هم، هشت سال قبل، یعنی سال دوم هجری قانون آنها صادر شده بود. حج هم مراد نیست، زیرا آنها از مکه برمی‌گشتند. امر به معروف و نهی از منکر نیز بارها در دیگر آیات قرآنی مطرح و بر لزوم آن تأکید شده بود.

علاوه بر آن که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از بیان این امور هراسی نداشت و آن روزی که تنها بود و با بت‌ها و بت‌پرستان مبارزه می‌کرد نترسید، حالا که بین این همه یار و مرید است، بترسد؟

سؤال: با این اوصاف، آن چیست که پیامبر اکرم (ص) تا اواخر عمرش نگفته بود، توحید و معاد و نماز و روزه هم نیست، اگر آن چیز باشد، توحید هست، نبوت هست، نماز هست، جهاد هست، امر به معروف و نهی از منکر هست و اگر نباشد، باقی چیزها هم نیست؟

پاسخ: باید بگوئیم آن امر، امامت است. چون اگر امام معصوم بود، توحید زنده است و گرنه به جایی خدا طاغوت حاکم می‌شود. اگر رهبر معصوم بود، اهداف نبوت دنبال می‌شود و اگر رهبر معصوم بود، معارف معاد بیان می‌شود.

نکته‌ای لطیف

در آیات قبل و بعد از این آیه نیز عبارت «مَا أُنْزِلَ» آمده است. قرآن در آیه ۶۶ می‌فرماید: «مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ» در آیه ۶۷ می‌فرماید: «أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» و در آیه ۶۸ می‌فرماید: «مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» این یک امر تصادفی نیست که در سه آیه پشت سر هم، سه تا (مَا أُنْزِلَ) آمده باشد.

مورد اول و سوم مربوط به کتاب آسمانی است، که مردم باید آن را به پا دارند تا از برکات آن در دنیا و آخرت بهره مند شوند و مورد دوم مربوط به رهبری جامعه است که باید از سوی خدا تعیین گردد و پس از پیامبر، در قالب امام سرپرستی جامعه را بر عهده گیرد.

مهندسی قرآن را ببینید، خدا امامت علی بن ابیطالب را گذاشته است بین دو کتاب آسمانی! در یک آیه می‌گوید: کتاب خدا را به پا دارید، وضع اقتصادیتان خوب می‌شود و در آیه دیگر می‌فرماید: اگر کتاب آسمانی را به پا ندارید، هویت ندارید و هیچ هستید.

و در میان این دو آیه می‌گوید: ای پیامبر! علی را معرفی کن. یعنی کتاب آسمانی و امام معصوم در کنار هم، چنانکه پیامبر در حدیث ثقلین فرمود: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرَّتِي.

آیه اِکمال دین

خداوند متعال در سوره مائده، آیه ۳ می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» امروز کافران از دین شما مأیوس شدند، پس از آنان نهراسید و از من پروا داشته باشید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام ساختم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

این جملات در میان آیهای قرار گرفته که آغاز و پایان آن مربوط به خوردنی‌های حرام همچون گوشت مردار و خوک است. اما روشن است بیان این مطالب که قبلاً نیز در قرآن آمده بود: (در سوره های انعام، بقره و نحل)، حرف تازه‌ای نیست و موجب اکمال و اتمام دین نمی‌شود، بلکه برخی چیزها باید تکرار شوند تا مؤثر واقع شوند.

اما این چه روزی است که دارای چنین ویژگی‌های مهمی می‌باشد؟

بررسی روزهای عمر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، ایشان در ۴۰ سالگی به پیغمبری مبعوث شد و در ۶۳ سالگی رحلت نمود. در این ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم (ص)، کدام روز است که این آیه با آن مطابقت داشته باشد.

۱. روز بعثت: اولین روزی است که حضرت به پیامبری مبعوث شد. هنوز اتفاقی نیفتاده است که بگوییم امروز دین کامل شد! مثل این است که روز اولی که دانش آموز به مدرسه می‌رود، معلم به او بگوید: تو امروز فارغ التحصیل شدی!

۲. روز هجرت: هنگام هجرت پیامبر از مکه به مدینه هم، نه دین کامل شده بود و نه کافران مایوس گشته بودند، زیرا از هر قبیله‌ای یک نفر آمده بود تا پیامبر را بکشند. و پیامبر علی ابن ابیطالب را در جای خود نهاده بود. پس از آن نیز جنگ‌های بسیاری به راه انداختند.

۳. روز پیروزی: مسلمانان در برخی جنگ‌ها پیروز می‌شدند و در برخی شکست می‌خورند. آنجا که شکست می‌خورند کفار امیدوارتر می‌شدند و آنجا که پیروز می‌شدند دشمن مایوس نمی‌گشت و در صدد حمله‌ای دیگر برمی‌آمد.

۴. روز فتح مکه: گرچه با فتح مکه، کافران از غلبه بر پیامبر اسلام مایوس شدند، اما امید داشتند با مرگ پیامبر اکرم (ص)، مسلمانان دچار ضعف گشته و آنان غالب گردند، زیرا پیامبر اکرم (ص)، پسری نداشت که ادامه‌دهنده راه او باشد.

۵. روز نصب امام: روشن است هیچ موضوعی نیست که مایه ناامیدی کامل دشمنان گردد، جز تعیین جانشین، آن هم جانشینی همچون علی ابن ابیطالب که شجاعت و زکات او مورد پذیرش همه، از دوست و دشمن بود. و این امر در روز هجدهم ذی الحجه در سرزمین غدیر خم اتفاق افتاد و حضرت علی علیه السلام به امامت مسلمین منصوب گردید. کسی که امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره‌اش فرمود: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ کاری نمی‌کرد و فقط یک علی علیه السلام تربیت می‌کرد، کافی بود.

ولایت اعظم

عید غدیر تنها عید ولایت حضرت علی علیه السلام نیست ولایت علی علیه السلام فرزند ولایت بزرگتری است که در روز غدیر در اوج تجلی قرار گرفت و آن هم ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌باشد. جمله مشهوری از خطبه‌ی غدیر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ" یعنی، هر که من مولا و فرمانروای اویم، "فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ" علی مولای او است. در جشن عید غدیر ما ولایت دو مولا یکی ولایت رسول الله و دیگری ولایت امیرالمومنین علی (ع) را جشن می‌گیریم.

رسالت ویژه پیامبر در روز عید غدیر

موضوعی فراتر از جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این روز بیان شده است؛ موضوعی که تا آن روز مطرح نشده بود. رسالت روز غدیر این بود که ای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به مردم بگو که علی و فرزندان او تا مهدی (عج) خود تو هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. هر که من مولا و فرمانروای اویم، علی مولای او است. در این فراز حضرت نمی‌گویند علی (علیه السلام) بعد از من جانشین

است؛ می‌فرمایند هر که من برای او مولا هستم؛ هر چه من برای هر کس هستم، پس این علی همان است. قرآن هم می‌گوید اَنْفُسَنَا وَ اَنْفُسَكُمْ. علی (علیه‌السلام) خود پیامبر (ص) و نفس پیامبر و حقیقت پیامبر است. در خطبه غدیر می‌بینیم که فقط بحث امیر المومنین (علیه‌السلام) مطرح نیست.

رسول خدا (ص) در این خطبه بحث کل دوازده امام و چهارده معصوم (علیه‌السلام) را بیان می‌کنند. در غدیر آنقدر که بحث حضرت مهدی (عج) است، شاید بحث دیگری نیست. غدیر اتصال مبدا با مقصد یا ابتدا و انتها است. به این دلیل امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند، اولاً محمد اوسطنا محمد آخرنا محمد کلنا محمد. یعنی ائمه اطهار صرف نظر از اینکه فرزندان، جانشین و اوصیاء پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند، خود پیامبر (ص) و حقیقت ایشان هستند. خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند، اَنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةِ وَاحِدَةٍ. چهارده معصوم همگی نور واحد هستند.

یعنی چهارده معصوم را نباید چهارده نفر ببینیم. باید این بزرگواران را انسانی ببینیم که ۲۵۰ سال عمر کرده اند. یعنی این ۱۴ معصوم یک حقیقت و نور هستند. از زیبایی‌های خطبه غدیر اشاره‌هایی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به وجود مقدس امام عصر (عج) دارند. در این خطبه حدود ۲۵ جمله در وصف حضرت حجت (عج) آمده است؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خطبه غدیر بیان می‌کنند که نوری از جانب خداوند متعال در وجود من است، سپس در جان علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) و آن‌گاه در نسل او تا حضرت حجت (عج).

الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ حضرت مهدی (عج) حق خدا و ما را می‌ستاند؛ چرا که خداوند ما را بر کوتاهی‌کنندگان، ستیزه‌گران، ناسازگاران، گنهکاران، ستمکاران و غاصبان دلیل و راهنما و حجت آورده‌است؛ یعنی خدا با وجود انبیا و نسل او اتمام حجت با همه خلق می‌کند. امام عصر (عج) ظهور می‌کنند و حق که غصب شده را می‌گیرند. امیر المومنین ۲۵ سال خانه نشین شدند. امامان ما همه باید حکومت می‌کردند و مدیریت جامعه را به دست می‌گرفتند؛ آن‌ها ۲۵۰ سال امامت کردند، اما حکومت نکردند.

امام عصر (عج) می‌آیند و این غصب‌ها را جبران می‌کنند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خطبه غدیر امید به آینده می‌دهند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: اگر گرفتاری و مصیبت بر شیعه می‌بینید، امید به آینده داشته باشد. غدیر امیددهنده به آینده روشن برای عالم بشری است. غدیر تبیین‌کننده این نکته است که زیبایی می‌آید و این زیبایی جبران‌کننده همه ظلم‌ها و سختی‌هاست. به تعبیری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با معرفی امام عصر (عج) همه جمعیت حاضر در غدیر را در فضای انتظار حضرت حجت (عج) قرار می‌دهند.

شکوه غدیر در نگاه علی علیه السلام

پاره‌ای از خطبه غدیریه که درباره معرفی روز غدیر و بیان عظمت و شکوه آن است:

۱- روز غدیر، عید بزرگ: «ان الله جمع لكم معشر المؤمنين، في هذا اليوم عیدین عظیمین کبیرین». هنگامی که امام (ع) این خطبه را ایراد فرمود، روز غدیر مصادف با روز جمعه بوده‌است، به همین دلیل تعبیر به «عیدین» کرده و هر دو را به عظمت و بزرگی یاد کرده‌است. این خود بهترین دلیل بر «تعید» روز هجدهم ذوالحجه و برگزاری مراسم جشن و سرور و بزرگداشت آن است.

در عید بودن روز غدیر، روایات متعددی از پیامبر(ص) و امامان شیعه(ع) به ما رسیده است، از جمله در روایتی از پیامبر(ص) می‌خوانیم که فرمود:

«يَوْمُ غَدِيرٍ خَيْرٌ مِنْ أَفْضَلِ أَعْيَادِ أُمَّتِي» و در روایتی از امام صادق می‌خوانیم که فرمود: «أَنَّ يَوْمَ عِيدٍ وَفَرَجٍ وَسُرُورٍ وَ يَوْمَ صَوْمٍ شُكْرًا لِلَّهِ» تعالی و اشرف و اعظم اعیاد است.

نویسنده «الغدیر»، از برخی بزرگان از دانشمندان اسلام چون ابو ریحان بیرونی، ابن طلحه شافعی و ابن خلکان نقل می‌کند که از این روز با نام «عید» یاد کرده اند.

۲- **روز بیان اراده خدا و روز بلاغ:** «فانزل الله على نبيه في يوم الدوح ما بين به عن ارادته في خلاصائه وذوى اجتباؤه وامره بالبلاغ...». «واژه دوح»، جمع «دوحه» به معنای درختان بزرگ و تنومند است، این بخش از خطبه در حقیقت بیانگر موقعیت جغرافیای تاریخی غدیر است. امام(ع) می‌فرماید، آن روز زیر درختان تنومند، آیاتی نازل شد که مبین اراده خدا برای بندگان خالص، مخلص و برگزیده اوست.

در آن روز که هجدهم ذوالحجه بود جبرئیل فرود آمد و آیه یا ایها الرسول بلغ... را بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل کرد، و آن حضرت را مأمور به تبلیغ امری کرد که بین خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجود داشت و آن ولایت علی(علیه‌السلام) است.

از جمله بلغ ما انزل الیک بخوبی روشن می‌شود که پیش از آن ولی امر تعیین شده بود و آن روز تنها برای معرفی و ابلاغ بوده است.

۳- **غدیر روز بزرگ، روز گشایش، روز تکامل**...: «إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّأْنُ فِيهِ وَقَعَ الْفَرَجُ وَ رُفِعَتِ الدَّرَجُ وَ وَضَحَتِ الْحُجُجُ». عظمت این روز بدان جهت است که ظرف ظهور اراده الهی و زمان ابلاغ پیام الهی و آثار مترتب بر آن است؛ روزی است که گشایش و فرج حاصل شد، چرا که نگرانی امت اسلام نسبت به زمان پس از پیامبر را برطرف کرد و بدانها امید بخشید؛ روزی که نردبان تکامل افراشته شد و با طرح مسئله امامت و معرفی امام، دین به کمال لازم خود رسید، روزی که حجت‌ها آشکار شد و بر همگان اتمام حجت گردید.

۴- **روز پرده برداری از مقام امامت:** «هُوَ يَوْمُ الْإِضَاحِ وَ الْإِفْصَاحِ عَنِ الْمَقَامِ الصُّرَاحِ». «افصاح» به معنای اظهارکردن و مرادف با «ایضاح» است، و صراحت به معنای خالص بودن چیزی از تعلقات است، و سخن صریح از همین باب است بدان جهت که اظهار و تأویل ندارد. اما مقام صراح یعنی جایگاه پاکی، پیراستگی، و منظور از آن مقام عصمت و امامت است که در روز غدیر از آن پرده‌برداری شد و امام برای همگان مشخص شد تا دیگر بهانه ای برای منافقان و دو رویان نباشد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صراحت کسی را معرفی نکرده است.

۵- **روز کامل شدن دین:** «ویوم کمال الدین...»، روزی است که دین خداوند کامل شد. کاری که در روز غدیر صورت گرفت آنچنان از اهمیت برخوردار بود که حق تعالی در شأن آن فرمود: الیوم اکملت لکم دینکم، کاری که اگر صورت نمی‌گرفت، نه تنها دین به مرحله کمال خود نمی‌رسید که در حقیقت اصل رسالت نیز ابلاغ نشده بود، فان لم تفعل فما بلغت رسالته از این روی علی(ع) نیز خود فرمود: وکمل الله دینه....

۶- **روز پیمان بستن:** «ویوم العهد المعهود»، روز پیمان بسته شده است، پیمانی که پیامبر (ص) پس از گرفتن اقرار و اعتراف از مردم مبنی بر اینکه پیامبر حتی از خود مردم نسبت به خودشان، بر آنها اختیار و حق دارد و مردم نیز آن را تأیید کردند.

ایها الناس من اولى بالمؤمنين من انفسهم؟ قالوا: الله ورسوله اعلم. قال: ان الله مولای وانا مولی المؤمنین و انا اولی بهم من انفسهم فمن كنت مولاہ فعلى مولاہ.

ممکن است عهد معهود اشاره به عهده باشد که در آغاز خلقت از انسان گرفته شد، واذ اخذ ربک من بنی آدم... (اعراف، ۱۷۲)، چرا که در دعای غدیر می خوانیم که علی (ع) فرمود: «وجدت لنا عهدک و ذکرتنا میثاقک المأخوذ منا فی ابتداء خلقک ایانا».

۷- **روز شهود و حضور:** «ویوم الشاهد والمشهود». این تعبیری است که قرآن درباره قیامت به کار برده است، به این معنا که شاهد پیامبر و مشهود، قیامت است، شاهد انسانها و مشهود، اعمال آنان است، شاهد ملائکه و مشهود، قرآن است و شاهد پیامبر و مشهود، علی (علیه السلام) است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شهادت به ولایت علی (ع) داد و انسانها و فرشتگان بر این امر گواهی دادند. تاریخ نیز گواهی داد که گروهی به دلیل نیل به مقام ولایت به علی (علیه السلام) تبریک و تهنیت گفتند، لکن پس از چندی و در ظرف تنها چند ماه آن را زیر پا گذاشتند.

۸- **روز نمایش قرارها از دورویی ها:** «یوم تبیان العقود عن النفاق والجحد». روزی که خط حق از جریان نفاق مشخص شد، روزی که باعث شد حامیان واقعی از مدعیان دروغین جدا شوند؛ آنان که حقایق را آگاهانه انکار کردند و نفاق خود را در عمل آشکار ساختند، علی (علیه السلام) در متن خطبه فرمود: « وَ كَشَفَ مِنْ خَبَايَا أَهْلِ الرَّيْبِ وَ ضَمَائِرِ أَهْلِ الْإِرْتِدَادِ ».

۹- **روز بیان حقایق:** «ویوم البیان عن حقائق الایمان». روزی که خط ایمان از دیگر خطوط ممتاز شد، کسانی که تا آن روز ادعای ایمان به خدا و اطاعت از پیامبر را داشتند، در آن روز درونشان آشکار شد. در آن روز همه دانستند که اگر واقعاً معتقد به اطیعوا الله واطیعوا الرسول هستند باید از اوامر خدا و پیامبر و از جمله ولی امر، علی بن ابیطالب (علیه السلام) که مصداق بارز و آتم اطاعت از خدا و رسول است نیز پیروی کنند.

اینجا بود که با نصب علی (علیه السلام) و نقش بر آب شدن نقشه ها و بر باد رفتن خواب و خیالها، حقایق را انکار کردند و مصداق قل لم تؤمنوا (حجرات، ۱۴) شدند، چرا که ایمان فقط گفتن شهادتین نیست، بلکه پذیرش ولایت، حقیقت آن است که باید در قلب تجلی و در عمل جلوه نماید.

۱۰- **روز راندن شیطان:** «یوم دحر الشیطان». «دحر» بر وزن «دهر» به معنای راندن است. در روز غدیر با کامل شدن دین، شیطان نیز برای دومین بار رانده شد، شیطان که از دین کامل و حقیقت ایمان دل خوشی ندارد، دوست می داشت دین، ناتمام و ابتر بماند و به کفار وعده می داد که با مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نفس راحتی می کشند، با واقعه غدیر، وسوسه ها، توطئه ها و نقشه ها، نقش بر آب شد و همان گونه که کافران مأیوس و نومید شدند، شیطان نیز مأیوس و رانده درگاه الهی شد؛ راضی به خلافت علی (علیه السلام) برای پیامبر (ص) نیز نبود و از این رو مدحور گردید. از این روست که در حدیثی از امام رضا (ع) می خوانیم که فرمود: یوم مرغمة الشیطان.

۱۱- **روز برهان:** «یوم البرهان». قرآن کریم، یهود و نصارا را که مدعی انحصار بهشت بودند و می‌گفتند جز ما کسی به بهشت نمی‌رود (وقالوا لن يدخل الجنة الا من كان هوداً او نصارى بقره، ۱۱۲)، محکوم می‌کند و آنان را به استدلال فرا می‌خواند و می‌فرماید: قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین (بقره، ۱۱۲).

روز غدیر دلیل حقانیت اهل ولایت و رهروان امام و ولی الله الاعظم و منصوب الهی است، و دلیل و برهانی است که تاریخ، حدیث و تفسیر گواه آن است. دیگران اگر مدعی هستند باید اقامه دلیل کنند و برهان بیاورند.

۱۲- **روز داوری:** «هذا يوم الفصل الذی کنتم توعدون»، روز غدیر روز جدایی حق از باطل است و این عبارت امام (ع) در حقیقت تشبیهی از غدیر به قیامت است و یا به عبارت صحیح تر تأویل به آن است، که قرآن فرمود: هذا يوم الفصل الذی کنتم به تکذبون (صافات، ۲) و نیز فرمود: وهذا يومکم الذی کنتم توعدون (انبیاء، ۱۰۳).

در این تشبیه و تأویل دو نکته وجود دارد: اول این که آن‌گونه که روز قیامت حق از باطل جدا می‌شود و اهل حقیقت و ایمان روانه بهشت می‌شوند و گروه باطل به سوی دوزخ برده می‌شوند، روز غدیر نیز فرقه ناجیه، مؤمنان به ولایت هستند و در صراط مستقیم که همان امام مفترض الطاعة است (انا سبيله الذی نصبني للاتباع بعد نبیّه) قرار دارند و جز آنها که از حق و ولایت اعراض کرده‌اند، دوزخی‌اند.

دوم این که کفار و مشرکان انتظار وقوع قیامت را نداشتند و می‌پنداشتند که واقعیت ندارد؛ دشمنان ولایت نیز انتظار چنین روزی را نداشتند و نمی‌پنداشتند که خداوند وصی و جانشینی برای پیامبر (ص) تعیین و نصب کنند، اما با حیرت تمام مشاهده کردند که خداوند خود، داوری کرد و امام و ولی را تعیین نمود و پیامبر (ص) را مأمور به ابلاغ آن فرمود.

۱۳- **روز فرشتگان:** «هذا يوم الملاء الاعلى الذی انتم عنه معرضون»، غدیر روز فرشتگان والامقام در عالم بالاست. این فقره از خطبه، برگرفته از کلام الهی است که فرمود: لا یسمعون الی الملاء الاعلى (صافات، ۸). به‌کاربردن این تعبیر بیانگر آن است که در این روز فرشتگان به امر الهی فروآمده و چنین مأموریتی را برای پیامبر (ص) آوردند. پس از، آن نیز طبق روایت رضوی در عالم فرشتگان محفل انس برگزار می‌شود که فرمود: وهو الیوم الذی یامر جبرئیل ان ینصب کرسی کرامة بازاء بین المعمور ویصعده جبرئیل وتجتمع الیه الملائکه من جمیع السموات و نیز می‌فرماید: ان یوم الغدیر فی السماء اشهر منه فی الارض.

اما معاندان نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند این معنا را درک کنند، از این روی امر مهم الهی را از صقع ربوبی و ملأ اعلى تنزل داده و به یک امر بشری تبدیل کردند.

۱۴- **روز رهنمون:** «هذا يوم الارشاد». غدیر، روزی است که خداوند به وسیله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مردم را به مسیر آینده‌شان راهنمایی کرد، حقایق را گفت، ولی امر را معرفی کرد، و با بدرقه کردن آن با دعای معروف اللهم وال من والاه وعاد من عاداه واحب من احبه وابغض من ابغضه راه ولایت و مسیر عداوت، طریق حب و بغض مردم را مشخص فرمود. پیامبر (ص) ارشاد کرد و رهنمون داد، مسیر آینده را روشن کرد، اما امت چه کرد؟

۱۵- **روز آزمون:** «ویوم محنة العباد»، «محنت» به معنای آزمودن است و «امتحان» نیز از همین باب است. روز غدیر روز آزمایش بندگان بود، روزی که خداوند، ولی و پذیرش ولایتش را وسیله آزمودن انسانها قرار داد، هر که

آن را پذیرفت و بدان پای بند بود، سرفراز از بوته آزمایش درآمد، و هر که آن را رفض کرد هر چند در آن هنگام تبریک گفت در این امتحان پذیرفته نشد، چرا که نفی ولایت در حقیقت رها کردن رسالت و ترک توحید است.

۱۶- **روز پیشاهنگان:** «یوم الدلیل علی الرواد». «رواد» جمع «راید» به معنای پیش قراول است، این عبارت ممکن است بدین معنا باشد که علی(ع) که خود از پیشگامان ایمان و اسلام است (اول من آمن به، اول من اسلم) و گوی سبقت را در این میدان از دیگران ربوده است (که فرمود «والسابقون السابقون أولئك المقربون واقعه، ۱۰ و ۱۱)، به این روز و واقعه غدیر بر فضایل خود استدلال می‌کند و می‌گوید: روز غدیر که روز ولایت و معرفی ولی است دلیلی است بر شناخت پیشگامان و پیشاهنگان. پیشگام در ایمان به رسالت، پیشاهنگ در امامت و صدر الائمه است.

۱۷- **روز هویدا شدن نهانها:** «هذا يوم ابدى خفايا الصدور ومضمرا الامور». در این بخش از خطبه دو احتمال وجود دارد، یکی گوشزد کردن مجدد جریان نفاق و دوروییهای مذموم که پیش از این بدان اشارت فرمود.

دیگری آشکار شدن اسرار ممدوح؛ یعنی روزی که خداوند، راز بین خود و رسولش را آشکار کرد، در آن روز پیامبر(ص) سرّی را که خداوند در درونش به ودیعت نهاده بود و پیامبر از افشای آن در هراس بود، با تضمین بر تأمین آن را آشکار کرد. (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ).

۱۸- **روز شناسایی خاصان:** «هذا يوم النصوص على اهل الخصوص». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از آغاز بعثت تا حجة البلاغ، بارها به اشاره و کنایه به معرفی علی(علیه السلام) پرداخته بود، در حدیث «یوم الانذار»، در حدیث منزلت و ... اما در جریان غدیر بدون هیچ پرده‌پوشی و به دور از هر گونه کنایه و اشاره و با صراحت تمام به معرفی علی(علیه السلام) به عنوان ولی امر مسلمین پرداخت و راه هرگونه توجیه را مسدود کرد زیرا که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ». از این روست که امام می‌فرماید: غدیر روز تنصیص است روز معرفی خاصان (علی) با سخن صریح است.

۱۹- **روز اوصیا و انبیا:** «هَذَا يَوْمُ شَيْثٍ هَذَا يَوْمُ إِدْرِيسَ هَذَا يَوْمُ يُوشَعَ هَذَا يَوْمُ شَمْعُونَ». در این بخش از خطبه امام به تعلق روز غدیر به برخی از انبیا و اوصیا چون ادریس، شیث، یوشع و شمعون اشارت می‌کند، قرآن کریم درباره ادریس می‌فرماید: واذکر فی الکتاب ادریس انه کان صدیقاً نبیاً(مریم، ۵۶).

شیث، به حسب تاریخ، وصی حضرت آدم بوده است؛ یوشع نیز جانشین حضرت موسی(ع)، و شمعون جانشین حضرت عیسی(ع) بوده است. در ادامه روایت می‌خوانیم که روز غدیر به آدم (قبول توبه)، ابراهیم (نجات از آتش)، هارون (جانشینی از موسی) و عیسی(ع) تعلق دارد.

گویا روز غدیر یادآور نقاط حساس در نبوت و وصایت است که بسیاری از انبیا از جمله پیامبر اسلام(ص) در آن تعیین جانشین کرده‌اند.

۲۰- **روز آسایش و آسودگی:** «هذا يوم الامن و المأمون». قبل از واقعه غدیر، نگرانیهایی نسبت به آینده اسلام وجود داشت و حتی از پیامبر(ص) نیز چنین نگرانی بی ابراز می‌شد، چرا که در حدیث ثقلین و خطبه حجة الوداع فرمود: «فانظروا كيف تخلفوني في الثقلين» اما پس از جریان غدیر می‌بینیم این نگرانی به سرور و شادی مبدل می‌شود که فرمود: الله اكبر على اكمال الدين واتمام النعمة ورضى الرب برسالتي والولاية لعلی من بعدی.

علی(ع) نیز در همین خطبه فرمود: «واقر عین نبیه والمؤمنین والتابعین»، افزون بر این که خداوند برای پیامبر(ص) نسبت به پیامدهای غدیر، امنیت و آسایش را تضمین کرد: «وضمن له عصمته منهم» که از این جهت نیز غدیر روز آسودگی است.

۲۱- **روز گنج پنهان:** «هذا يوم اظهر المصون من المكنون». غدیر روزی است که آنچه در نهان نگهداری می‌شد، علنی گردید و این همان امر مهم ولایت است. تعبیر به «المصون من المكنون» بیانگر آن است که حادثه غدیر برنامه‌ای نبوده است که خلق الساعه پدید آمده‌باشد، بلکه پیش از فرا رسیدن این برهه از زمان در مكنون (صندوقچه) حفظ شده علم الهی و سینه پیامبر(ص) وجود داشته است و روز غدیر تنها ظرف اعلان آن است.

۲۲- **روز آشکار شدن رازها:** «هذا يوم ابلاء السرائر». این قسمت از خطبه تعبیر دیگری از بیانی است که قبلاً بیان شده بود، در حقیقت امام با توجه به اهمیت این اعلان، آن را به چند گونه بیان کرده‌است. یک بار فرمود: «يوم الايضاح»، بار دیگر گفت: «يوم ابدى خفايا الصدور و مضمرات الامور»، و در مرتبه بعد فرمود: «اظهار المصون» و بالاخره در آخر فرمود: «ابلاء السرائر»؛ روزی که اسرار درون اعم از کفر و ایمان، بغض و حب، شر و خیر، ریا و اخلاص و... آشکار شد.

تعبیر اخیر برگرفته از وصف قیامت است که قرآن بدان اشارت دارد و می‌فرماید: يوم تبلى السرائر(طارق، ۹). تشبیه روز غدیر به روز قیامت می‌تواند بیانگر این نکته باشد که آن گونه که روز قیامت اعلان نهایی پایان دوره‌ای از حیات و آغاز حیات دیگری است، غدیر نیز به نوبه خود اعلان پایان دوره‌ای از هدایت و ارشاد (به صورت نبوت) و آغاز دوره‌ای دیگر در شکل امامت است و ویژگی جاودانگی دین را تضمین می‌کند.

حرف دل (غربت غدیر)

هرکس عید غدیر را در خانواده، محله و شهر خودش گرامی بدارد غربتی سنگین و بی نظیر را از اسلام برطرف کرده‌است. جامعه‌ای که برای عاشورا و ۲۸ صفر مایه می‌گذارد. جامعه‌ای که برای زیارت امام رضا علیه السلام سرمایه‌گذاری می‌کند و جامعه‌ای که برای زیارت اباعبدالله حسین علیه السلام سر و دست می‌شکند برای بزرگداشت غدیر چگونه است؟ اساساً شاد بودن به شادی اهل بیت ثواب بیشتری نسبت به غمگین بودن برای مظلومیت اهل بیت دارد چون رنج اهل بیت دیده می‌شود و اگر کسی عقلش به دیده‌اش باشد مظلومیت اهل بیت را لمس می‌کند و تأثر و ناراحتی آن را نشان می‌دهد. اما هر کسی به شادی اهل بیت و عید غدیر نمی‌تواند شاد شود تا زمانی که نور ولایت در دلش ورود کرده باشد. نور اهل بیت دیده نمی‌شود و اگر کسی عقلش به دیده‌اش باشد نمی‌تواند فرح و سرور جایگاهی مثل عید غدیر ببیند. اگر این اصطلاح در ما صدق کند. عید غدیر را پاس نمی‌داریم. برای اهل بیت عزاداری کردن کاری آسان‌تر است. شاد شدن به شادی اهل بیت دشوارتر از غمگین شدن به عزای اهل بیت است.

مصیبت اهل بیت را می‌توان تصور کرد، مسائلی محسوس و عینی هستند. اما نور غدیر وصف ناپذیر است چون نادیدنی است و اکثراً قدردان آن نیستیم. درک بسیار بالا و معنویت بسیار بالایی نیاز دارد. اگر کسی بخواهد بر

غربت غدیر گریه کند باید هم بر رسول الله و هم بر حضرت امیرالمومنین علیه السلام گریه کند. در طول تاریخ هزاران مومن و غیرمومن و سید و غیرسید سر بریدند تا از غدیر یادی نباشد و این تاثیر خود را گذاشته است. **تکریم غدیر چقدر برایمان مهم است؟**

راستی در گوشه دلمان، در ذره ذره وجودمان از محبت و ولایت علی(علیه السلام) لبریز شده است؟

جرعه ای از احادیث

- ❖ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند می فرماید: ولایت علی بن ابیطالب دژ محکم من است، پس هر کس داخل قلعه من گردد، از آتش دوزخ محفوظ خواهد بود. جامع الاخبار: ۵۲، ح ۷.
- ❖ امام باقر(علیه السلام) از پدر بزرگوارش امام صادق(علیه السلام) نقل کرد که فرمود: شیطان دشمن خدا چهار بار ناله کرد: روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر اکرم(علیه السلام) مبعوث شد و روز عید غدیر. قرب الاسناد: ۱۰.
- ❖ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که می خواهد زندگی و مرگش همانند من باشد و در بهشت جاودانه ای که پروردگارم به من وعده کرده، ساکن شود، ولایت علی بن ابی طالب(ع) را انتخاب کند، زیرا او هرگز شما را از راه هدایت بیرون نبرده، به گمراهی نمی کشاند. الغدیر ۱۰: ۲۷۸.
- ❖ امام رضا(علیه السلام) فرمود: عید غدیر روز تبریک و تهنیت است. هر یک به دیگری تبریک بگویند، هر وقت مؤمنی برادرش را ملاقات کرد، چنین بگوید: «حمد و ستایش خدایی را که به ما توفیق چنگ زدن به ولایت امیرمؤمنان و پیشوایان عطا کرد» آری عید غدیر روز لبخند زدن به چهره مردم با ایمان است... بحارالانوار ۳۷: ۱۱۲، ح ۴.
- ❖ امام صادق(علیه السلام) فرمود: روزه روز غدیر خم با روزه تمام عمر جهان برابر است. یعنی اگر انسانی همیشه زنده باشد و همه عمر را روزه بگیرد، ثواب او به اندازه ثواب روزه عید غدیر است. اقبال ۴۶۴.
- ❖ امام صادق(علیه السلام) فرمود: کسی که در روز عید غدیر هر ساعتی که خواست، دو رکعت نماز بخواند و بهتر اینست که نزدیک ظهر باشد که آن ساعتی است که امیرالمؤمنین(ع) در آن ساعت در غدیر خم به امامت منصوب شد، (هر که چنین کند) همانند کسی است که در آن روز حضور پیدا کرده است.. وسائل الشیعه ۵: ۲۲۵، ح ۲.
- ❖ امام رضا(علیه السلام) فرمود: کسی که در روز (غدیر) مؤمنی را دیدار کند، خداوند هفتاد نور بر قبر او وارد می کند و قبرش را توسعه می دهد و هر روز هفتاد هزار فرشته قبر او را زیارت می کنند و او را به بهشت بشارت می دهند. اقبال الاعمال: ۷۷۸.
- ❖ امیر مؤمنان(علیه السلام) فرمود: چگونه خواهد بود حال کسی که عهده دار هزینه زندگی تعدادی از مردان و زنان مؤمن (در روز غدیر) باشد، در صورتی که من پیش خدا ضامنم که از کفر و تنگدستی در امان باشد. الشیعه ۷: ۳۲۷.

از آنچه گذشت، روشن شد که جریان غدیر، تنها رخدادی تاریخی و یا گذرگاهی جغرافیایی و یا بحثی روایی و یا مسئله‌ای سیاسی نیست و حتی به رغم تصور عموم، حدّ فاصل میان شیعه و سنی در مسئله امامت نیست؛ زیرا اختلاف نظر میان این دو فرقه بر سر وقوع حادثه تاریخی غدیر، یا صدور روایت آن و یا لزوم وجود امام و رهبر نیست، که همگان بر آن‌ها اتفاق نظر دارند؛ آنچه در این رهگذر مورد نقض و ابرام فریقین است، لزوم تنصیصی بودن نصب امام و ولیّ به همان وجه که در نبوت و رسالت می‌باشد.

بنابراین، غدیر، نه تاریخ است، نه روایت است، و نه سیاست و حکومت، بلکه ولایت است و ولایت. به عبارت دیگر غدیر سر فصل عقیده‌ای است که سرچشمه همه طاعتها و نمود همه رسالتها و نبوت همه انبیا است. غدیر کلمه‌ای است که پیشوندش لاهوت و رسالت، و پسوند آن امامت و ولایت است. غدیر جمله‌ای است که مبتدای آن توحید، خبرش معاد و قیامت و ربطش ولایت است پس بر ماست که با درک و ربط بین توحید و نبوت و ولایت همه عقاید، اخلاقیات و اعمال خود را با ولیّ (صراط مستقیم مجسم) بسنجیم و بر وفق آن گام برداریم.

منابع

- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۴۱.
- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۴، ح ۹، باب ۱۹
- بحار الانوار، ج ۹۴، صص ۹ - ۱۸.
- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۵۲
- شکوه غدیر (خطبه غدیریه)
- ر. ک: بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۱۰
- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۸
- ر. ک: وسائل الشیعه، کتاب الصوم، باب الصوم المندوب (ب ۱۴) ح ۹، ۷، ۶، ۴، ۲، ۱ و ۱۰
- الغدیر، ج ۱، ص ۲۶۷ و ۲۶۸
- ر. ک: المصباح المنیر؛ مجمع البحرین: ماده «دوح»
- ر. ک: الغدیر، ج ۱، ص ۹۶۱
- المصباح المنیر؛ مجمع البحرین: ماده «صرح» و «نصح»
- الغدیر، ج ۱ ص ۱۱
- مصباح المتعجّد، ص ۲۹۴
- سوره بروج، آیه ۳
- صحاح اللغة، مادّه «دهر»
- مسند الامام الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۸
- مسند الامام الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۸
- همان، ص ۲۰
- الغدیر، ج ۱، ص ۱۱
- فضایل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۱۷۸ و ۱۸۷
- ر. ک: الدر المنثور فی التفسیر الماثور، ج ۸، ص ۶
- مجمع البحرین: مادّه های «شیث»، «یوشع»؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۸ و ۴۶

- ✚ وسائل الشیعه، کتاب الصوم، باب الصوم المندوب (باب ۱۴) ح ۱۲
- ✚ الغدير ج ۱، ص ۱۱م، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۵۲
- ✚ غدير در قرآن حاج آقا قرائتی
- ✚ سخنرانی غربت غدير و ولایت اعظم حاج آقا پناهیان (بیان معنوی)
- ✚ حوزه قرآن و عترت گروه فرهنگی باشگاه خبرنگاران جوان
- ✚ سیره و سخن ائمه اطهار (ع) درباره غدير
- ✚ پایگاه اطلاع رسانی حوزه‌یت اطلاع رسانی حوزه